را د مرد

زند گي درغروب غربت

بخش اول

صندوق جمعیت سازمان ملل (UNFPA) در گزارش تازه‌ای که در ژنو منتشر شده است، اعلام کرد که میزان مهاجرت در جهان به بالاترین سطح خود رسیده است. در این گزارش گفته شده است که جابجایی مهاجران بیشتر به بسوی کشورهای غنی صورت مي‌گيرد و ۳۳ میلیون نفر از ۳۶ میلیون مهاجری که بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ کشور خود را ترك كرده به يك كشور صنعتی رفته اند. در این گزارش سازمان ملل آمده است که ایالات متحده امریکا نخستین کشوری است که بیشترین آمار مهاجران را در خود جای داده است. امریکا درسال ۲۰۰۵میلادی حدود۲۰ درصد از همه مهاجران را جذب کرده و روسیه با شش درصد دررده دوم قرار دارد. این گزارش نشان میدهد که بخش اعظمی از این مهاجران که به کشورهای صنعتی مهاجرت کرده‌اند از سطح آموزشی بالایی برخوردار بودند. براساس این گزارش مهاجران برای رسیدن به کشور مورد نظر خود مي‌بایست از پول کافی بهره مند باشند و اغلب آنان پس از مهاجرت در سرزمین مادری خود سرمایه‌گذاری مي‌کنند. براساس این گزارش، تنها در سال ۲۰۰۵ میلادی، مهاجران حدود ۲۳۲ میلیارد دالر به کشور مادری خود ارسال کرده اند.

غربت یعنی حسرت — غربـــت یعنی رفتن
گم شدن چون سایـه — به سفر دل بـــستن.

غربـــت یعنی بدرود — در غـــروبی دلتـنگ
در طـلوعـــی خـسته — گفتن از شیشه و سنگ.

غربـــت یعـــنی تقدیر — کـــوچ کردن و رفتن
یعني سفربي بازگشت — غربـت همیشه تپید ن

رفتن و غربت مـن — سایه ای سرگردان
مثل شمعی در با د — آتشـــی د ر باران.

غربت یعنی رفتن — تـــادورهاي دور
تاشـــهربي نشان — تا امـــتداد بي نور.

مقد مه

دلم د ر آ شیان یک سحر بود — خـودم اینجا و رویا یم سفر بود
همگي بـــا زگشتند از ره دور — نمـــیدانم چراچشمم به د ربود؟.

مهاجرین، نقشي كليدي در بنا نهادن و حفظ ارتباط هاي ارزنده اقتصادي و انساني بين كشورهاي مبدا و ميزبان خود ايفا مي نمايند. طي سال هاي اخير، تعداد افرادي كه در خارج از كشور محل تولد خود زندگي مي كنند، بيش از دو برابر شده و به ميزان ۱۷۵ ميليون نفر رسيده است. در سرتاسر جهان، يكي از هر ۳۵ نفر مهاجر مي باشد. از جنبه اقتصادي مهاجرين به ترويج توسعه و كاهش فقر كمک مي نمايند. در شرايط اقتصادي پيشرفته، مهاجرين به طور منظم برا ي خانواده هاي خود در كشورهاي در حال توسعه پول مي‌فرستند. ميزان جهاني جريان بازگشت اين سرمايه

ها از طريق مجاري رسمي، بالغ بر ۱۰۰ ميليارد دالر آمريكاي تخمين زده مي شود و چنانچه راه هاي انتقال سرمايه غير رسمي نيز در نظر گرفته شوند اين ميزان احتمالا دو تا سه برابر افزايش خواهد يافت. بازگشت سرمايه ها به كشور و سرمايه گذاري هاي مهاجرين موجب بالا رفتن استانداردهاي زندگي ميليون ها انسان فقير و افزايش دسترسي آنان به غذا، پناهگاه، مراقبت هاي بهداشتي و تحصيل مي گردد. مهاجرين همچنين با به همراه آوردن مهارت هاي مورد نياز كسب شده در خارج از كشور ازطريق مهاجرت در مسير برگشت به صورت مجازي يا حقيقي، موقتي يا دائمي، در توسعه كشورهاي مبدا خود سهيم مي باشند. در كشورهاي ميزبان، مهاجرين به پرنمودن خلاء هاي نيروي كار و مهارت ها ي مورد نياز كمک مي نمايند. آنان موجب خلاقيت، كار آفريني و تنوع و به دنبا ل آن افزايش امكانات براي ايجاد گروه هاي كاري انعطاف پذير و چند فرهنگي گرديده كه ثمر بخش و قابل رقابت در بازارهاي جهاني مي‌باشند.

صندوق بين المللي پول اعلام كرد كه كارگران مهاجر ساليانه حدود ۱۰۰ ميليارد دالر براي كشورهاي در حال توسعه درآمد ايجاد مي كنند. بنابراين گزارش، جريان انتقال سرمايه از كارگران مهاجر به ۹۰ كشور در حال توسعه در سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰٤ نسبت به سال ۲۰۰۲، ۲۵ درصد افزايش داشته است. در سال ۲۰۰٤ ميلادي اين ميزان به مرز ۱۰۰ ميليارد دالر رسيد و علي الرغم ركود اقتصادي اين ميزان تبادلات در ۳۰ سال گذشته بي سابقه بوده است. براساس گزارش صندوق بين المللي پول، هند طي سال هاي ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ ميلادي به طور متوسط در هر سال بيش از هفت ميليارد دالر از محل وجوه ارسالي كارگران مهاجر درآمد كسب كرده است و از اين نظر در رديف اول بين كشورهاي در حال توسعه قرار گرفته و كشورهاي مكزيك و فيليپين نيز به ترتيب با دريافت ٦/٧ و ٥ ميليارد دالر در هر سال در رديفهاي دوم و سوم قرار گرفتند. براساس اين گزارش، كشورهاي آمريكا، عربستان سعودي، سوئيس، آلمان و فرانسه پنج كشور بزرگ منبع ارسال وجوه كارگران مهاجر در جهان هستند و آمريكا از اين نظر در ردسف اول قرار دارد.

فرار مغزها

كميسر عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان همزمان با روز جهانی پناهنده كه امسال با عنوان, جاي كه آن را وطن می نامیم, نام گرفته، اعلام كرد: ,به رغم برداشت بعضی ملل عمدتاً صنعتی، كه ادعا می كنند حضور پناهندگان بار سنگینی را بر دوششان گذاشته است اكثریت ۵۰ میلیون پناهنده به سرزمین اغلب ویران خود بازگشته اند. رودلوبرز با بیان این كه ما به دفعات شاهد بروز شدید احساس پناهندگان در نقاط مختلف از كوزوو گرفته تا كامبوج، موزامبیك و تیمور شرقی بوده ایم، افزود: در آغاز هزاره جاری، كمیساریا به ۱/۱ میلیون پناهنده كمك كرد تا پس از بازگشت به سرزمین خود، زندگی شان را دوباره آغاز كنند. امروز، ما به بیش از ۵/۳ میلیون نفر كه در چند سال گذشته به وطنشان بازگشته اند یاری می رسانیم. وی دو راه حل ادغام محلی در كشورهاي كه پناهندگان بدواً به آن پناهنده شده اند و اسكان مجدد در كشور های ثالث را برای پناهندگانی نام برد كه هرگز نمی توانند به وطن بازگردند.

در هر كشوري شرايط جغرافيايي، سياسي و اقتصادي خاص آن كشور حكمفرماست در اين ميان افراد بسياري با نيازهاي خود تحت اين شرايط پرورش مي‌يابند. اما هركدام كه براساس امكانات موجود در كشور و در كنار آن استعداد و تلاش خود به مرحلهٔ از موفقيت رسيده‌اند خواستار به دست آوردن شرايط بهتر زندگي مي‌شوند. كشورهاي پيشرفته جهان با درك اين موضوع كه ارائه امكانات بهتر به نيروهاي فعال كشور سود سرشار و پيشرفت بهينهٔ را به دنبال خواهد داشت سعي در جلب رضايت آنها مي‌كنند و بالعكس كشورهاي توسعه نيافته‌تر با عدم برنامه ريزي صحيح در خصوص بها دادن به مغزهاي متفكر جامعهٔ شان باعث سرخوردگي و بي‌علاقگي اين قشر مي‌شوند. به همين علت است كه مقوله مهاجرت نخبگان در جامعه غيرپيشرفته بيشتر از جوامع توسعه‌يافته به چشم مي‌خورد. اگر هر كشور بنابر منابع و درآمد خاص خود براي مرتفع كردن نياز مردم جامعه خود سعي كند و افرادي را كه داراي قابليت فكري بيشتري هستند حمايت كند مي‌تواند بهره وري سودمندي از اين مساله را عايد كشور خود نمايد.

چرا که جوامع پیشرفته امروز نه تنها به نخبگان خود ارزش قایل اند و براي تامين آنها از هيچ كوششي دريغ نمي‌كنند بلكه به دنبال كشف و جذب افراد نخبه و متفكر جوامع ديگر با طرق مختلف و با ارائه امكانات بهتر بخصوص در كشورهاي توسعه نيافته نيز هستند.
در همين رابطه يكي از استادان جامعه شناس مي‌گويد: نخبه به فردي گفته مي‌شود كه در حوزهٔ خاص داراي ويژگي‌هاي باشد كه او را نسبت به ديگران برجسته مي‌كند، هنگامي كه نخبگان از كشور خود به سوي كشور ديگري مهاجرت مي‌كنند خواستار كسب شرايط بهتر هستند اما در مقابل زيان‌هاي بسياري را متوجه جامعه مبدا مي‌كنند. زيرا هر كشوري به منبع رشد و پيشرفت كه همان نيروي انساني ماهر و با تجربه است نيازمند است و خروج نخبگان كه افرادي با استعداد هستند باعث اختلال در جامعه خواهد شد و در مقابل كساني كه شايستگي لازم را ندارند بر مسند امور مي‌نشينند و روند توسعه را كند مي‌كنند.

اگر مهاجرت در ميان كشورها به صورت مبادلهٔ متوازن انجام گيرد زياني به هيچ يك از كشورها وارد نخواهد شد اما متاسفانه در اكثر كشورهاي در حال توسعه مهاجرت‌ها يكطرفه و به ضرر آنهاست كه اين مساله خود به يك آسيب اجتماعي تبديل شده است. البته هزينه‌هاي هم كه در قبال اينگونه افراد در طول سالها تحصيل صرف مي‌شود را نيز نبايد ناديده گرفت. براي جلوگيري از خروج نخبگان از كشور بايد عوامل دافعه را شناخت و براي خنثي كردن آنها تلاش كرد. مهمترين عوامل جذب نخبگان در جامعه كاهش فاصله طبقاتي، ترويج آزادي، اصلاح نظام اداري و آموزشي و تامين عدالت و امكان فرصت‌هاي شغلي و تحصيلي مناسب است.
اگر اين شرايط در يك جامعه اجرا شود تعداد مهاجرت‌ها نيز كاهش خواهد يافت و توسعه اقتصادي و علمي نيز نصيب خود آن جامعه مي‌شود.

معضله فرار مغزها يك معضل بسيار نگران كننده است. و داراي اثرات زيانبار و تاسف آور، و متاسفانه در كشور هاي جهان سوم آمار مهاجرت نخبگان روز به روز در حال افزايش است.
فرار مغزها فرآيندي است كه بر محمل يك رابطه نامتعادل بين كشور هاي صنعتي پيشرفته و كشورهاي كمتر توسعه يافته جهان سوم شكل مي گيرد. و طي آن نيروي انساني پرورده و نخبه از كشورها كمتر توسعه يافته به كشورهاي صنعتي ثروتمند توسعه يافته تر منتقل مي شود. و نتيجه نهايي اين فرايند به سود خالص كشورهاي صنعتي و زيان خالص كشورهاي جهان سوم است.

اصطلاح فرار مغزها را براي نخستين بار انگليسي ها به كار بردند. فرار مغزها ريشه در روابط تاريخي آمريكا و انگلستان داشت. و بيانگر انگيزش انجينرها و داكتران انگليسي براي مهاجرت به آمريكا، با هدف كسب درآمد بيشتر و دستيابي به محيط كار مناسبتر در كوچ گاه بوده است. ياد آوري مي كنم كه مفهوم اين واژه در بيشتر زبان هاي اروپايي گوياي معناي به سوي خود كشيدن و جذب مغزهاي پرورده است. در حالي كه معادل فارسي اين اصطلاح، مفهوم فرار كردن و دفع را با خود دارد. و برخي از نويسندگان مصري با عبارت دزدي مغزها از آن نام مي برند. بنابراين با اين كه كوچ نيروي انساني ورزيده و پرورده از جاي به جاي ديگر واقعيت واحدي است. تحليل گران ساكن مناطق توسعه يافته و قدرتمند ،اين حركت را جذب به درون مرزهاي خود تلقي مي كنند. و صاحبنظران ساكن در كشورهاي موسوم به جهان سوم و كمتر توسعه يافته، آن را نوعي دفع از اقامتگاه خود مي دانند. پيشينه بحث در مورد فرار مغزها درمنابع و مراجع بين المللي به دهه ١٩٦٠ مي رسد كه نخست به طور موردي نوشته هاي درنشريات علمي انتشاريافت ...

نخستين گردهمايي بين المللي در اين باره در سال ١٩٦٧ به وسيله مركز پژوهشهاي ارويائيان و كميسيون مشورتي ايالات متحده درباره امور آموزشي و اجتماعي بين المللي در لوزان سوئيس برگزار شد. در اين كنفرانس كه دانشمندان و صاحب نظران ده كشور از سراسر جهان شركت داشتند، به موضوع فرار مغزها زير عنوان ‹‹ فرار ماده خاكستري›› به بحث كشيده شد و به صدور اعلاميه اي انجاميد. كه شامل ديدگاههاي كنفرانس در هشت ماده بود. از آن پس فرار مغزها مورد توجه بيشتر سازمان ملل قرار گرفت و به صورت يك موضوع عمده مورد بررسي قرار گرفت. در سال ١٩٦٨ كنفرانسي به سرپرستي يونسكو و موسسه آموزش و پژوهش سازمان ملل متحد ترتيب داده شد كه نمايندگان عضو سازمان ملل در آن شركت داشتند. در اين كنفرانس درباره راه هاي جلوگيري از فرار مغزها بحث شد.

يكی از عوامل فرار مغزها، توجه به مسائل مادی در مقايسه با ساير مسائل است كه انسان ها و افراد را فراموش كنيم و تصور می كنيم هركس ماشين و ابزارآلات تخنيكي وپول در اختيار داشت خوشبخت است، در حالی كه به عكس، هرچه پيشرفته تر باشد بايد نقش عوامل انسانی در آن مهم تر، برجسته تر و بيشتر باشد، مثلاً نقش انسان در جاپان ٨٠ درصد است ولی نقش انسان در كشور ما كمرنگ است به طوری كه بيشترين دغدغه خارج نكردن ارز از كشور است. در حالی كه كشور هاي جهان سوم هيچ توجهی به فرار مغزها ندارند به نظر می رسد همين تغيير

نگرش نسبت به افراد انسانی و توسعه انسانی در فرایند توسعه، عامل مهمی در کاهش پدیده فرار مغزها است. با يك نگاه اجمالی به آمار و ارقام مربوط به پدیده فرار مغزها، پیامدهای بسیار ناگوار آن غیرقابل تصور می نماید، از یکسو پذیرش مغزها ازسوي کشورهای صنعتی و شرایط زندگي عامل مهم در جذب نخبگان کشورها به شمار می روند و منبع مهمی برای جذب نخبگان، از سوی دیگر کشورهای مبدأ و جهان سوم قرار دارند که همه سرمایه، استعداد، توان و هستی خود را تقدیم بیگانگان می کنند.

روز جهانی آوارگان

کشورهای اروپایی به تنهایی ۳ میلیون نفر جابه جا شده درونی (IDPs) دارد، یعنی کسانی که در اثر جنگ داخلی و پاکسازی ها از خانه و کاشانه خود آواره شده اند و حتی به عنوان پناهنده هم به رسمیت شناخته نمی شود. در جهان ۲۵ میلیون IDPs وجود دارد. این آمار را در گزارش که سازمان ملل منتشر کرده است می بینیم. گزارش یاد آوری کرده است که این ها مردم فراموش شده جهانند که در شرایط بسیار فاجعه باری زندگی می کنند. به علت آن که این ها پناهنده محسوب نمی شوند، حتی شامل کنوانسیون سازمان ملل هم نمی شود. گزارش مزبور بر بی خانمان شده های کشورهای عضو پیمان امنیت و همکاری اروپا OSCE متمرکز است. این هم چند آمار دیگر از این گزارش: در کشورهای OSCE ترکیه با یک میلیون جا به جا شده - عمدتا کُرد از بخش های جنوب شرقی مقام اول را دارد. فدراسیون روسیه ۳٦۰۰۰۰ جابه جا شده عمدتا چچن دارد که گزارش افشا می کند آن ها را علي الرغم شرایط خطرناک تحت فشار قرار داده اند که برگردند. آذربایجان بیش از نیم میلیون جا به جا شده به علت منازعات داخلی دارد که نمی توانند به خانه خود برگردند. بوسنی هرزه گوینا ۳۲۳ هزار جا به جا شده دارد که عمدتا در حاشیه جامعه زندگی می کنند.

"روز جهانی آوارگان" روزی که در آن همه مردم جهان فراخوانده می‌شوند تا به انسانهایی بیاندیشند که مجبور به فرار از میهن خود شده‌اند. بیست و ششم ژوئن، "روز جهانی مبارزه با شکنجه" است و روز پشتیبانی از کسانی که شکنجه دیده‌اند. بسیاری از آوارگان و پناهند گان تجربه های سختی را پشت سر دارند که تاثیر خود را بر روان آنها نهاده است. عرضه كمك روان درمانی به آنان یکی از هدفهای سازمانهای حقوق بشر است. سالها بود که در بسیاری کشورها روزی به نام آوارگان وجود داشت. در چند کشور افریقایی روز آوارگان را در بیستم ژوئن برگزار می‌کردند. برای اعلام همبستگی با افریقا که پذیرای بیشترین تعداد آوارگان بوده و به طور سنتی و با بزرگواری روزی را به نام آنان خوانده بود، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ روز بیستم ژوئن را روز آوارگان نامید. هدف از برگزاری مراسم گوناگون در این روز، از کنسرت موسیقی راك و كلاسيك گرفته تا کنفرانس و جلسه سخنرانی، از خاطر نبردن آوارگان و پناهندگان، پشتیبانی از آنان و ارج نهادن بر شهامتشان است.

در روز جهانی آوارگان جایزه‌ای به نام نانسن نیز به شخصیت یا گروهی اهدا می‌شود که خدمت برجسته‌ای به آوارگان و پناهندگان کرده باشد. نام جایزه نانسن برگرفته از نام دانشمند نروژی فریدیف نانسن Fridtjof Nansen است که در سال ۱۹۲۱ به عنوان نخستین کمیسر عالی پناهندگان سازمان ملل متحد منصوب گشت. امسال این جایزه به سازمان حقوق بشر مموریال Memorial که مرکز آن در شهر مسکو است، تعلق گرفت. این سازمان از زمان تاسیس خود در سال ۱۹۸۸ به هزاران آواره در داخل فدراسیون روسیه كمك كرده است. آوارگان و پناهندگان بخشی از جمعیت جهان‌اند که به خاطر جنگ یا تعقیب سیاسی یا ناهمخوانی با هنجارهای جامعه ای که از آن برخاسته اند، مجبور به گریختن از وطن خود شده‌اند تا در جایی دیگر مامنی بیابند. در بسیاری مواقع پناهجو بی هیچ پول و وسایلی است، تنهاست با لباسی که بر تن دارد، کنده شده از خانواده، دوستان، جامعه، فرهنگ و زبان خود. هر آواره و پناهنده‌ای باری از تجربه‌های تلخ را بر دوش می‌کشد، تجربه‌هاي چون احساس بیگانگی در میهن خود، زندگی مخفیانه پر هراس در وضعیت خفقان و دیکتاتوری، زندان، شکنجه و جنگ.

در قرن بیست و یکم هم هنوز در بیش از ۱۳۰ کشور جهان انسانها را شکنجه می‌کنند. اوج شکنجه را در زمان جنگ، در مناطق بحرانی و در کشورهای دیکتاتوری می‌بینیم. قساوتهایی که گروهی از انسانها می‌توانند نسبت به گروهی دیگر روا دارند هیچ گونه مرزی را نمی‌شناسد. حتی کودکان و نوجوانان قربانی شکنجه و بدرفتاری می‌شوند. پژوهشها نشان می‌دهند که بیست تا بیست و پنج درصد فراریانی که در اروپا پناه جسته اند، شکنجه شده اند. آماری دقیق در دست نداریم، اما گمان می‌رود که اگر بر تعداد شکنجه شدگان شمار کسانی را بیافزاییم که با تجربه فشار پیگرد و فرار به کشورهای اروپایی پناهنده می‌شوند، با رقم بزرگی از انسانهایی مواجه می‌شویم که به عنوان پناهنده در کشور میزبان در کنار کمکهای حقوقی و اجتماعی نیاز به کمك روان درمانی دارند. در آلمان مراکز درمانی ویژه‌ای وجود دارد که شکنجه شدگان می‌توانند برای دریافت کمك دوا و درمان به آن مراجعه کنند.
خانم کلاودیا هارتمن Claudia Hartmann که در مرکز کمك درمانی و اجتماعی به پناهندگان سیاسی در کلن به عنوان روانشناس کار می کند در باره مشکلاتی که به خاطر آن به وی مراجعه می شود می گوید: " فکر می‌کنم ما همواره با به اصطلاح نشانه‌های بیماری کلاسیك صدمه روحی سر و کار داریم. پناهندگانی که به ما مراجعه می کنند و بر اثر فشارهای زندگی مخفیانه، زندان، شکنجه، فرار آسیب روحی دیده اند، مجموعه ای از ناراحتیها دارند که اغلب با هم خود را نشان می دهند، از یك سو به شکل هجوم خاطرات از اتفاقهای وحشتناك به ذهن، دیدن کابوس، سربرآوردن درد و احساسی ناشناخته که در اصل یك خاطره است. از سوی دیگر مشکل خود را به صورت خود داری و پرهیز نشان می دهد، یعنی بسیاری به شدت از فکر کردن به و حرف زدن راجع به تجربه دردناك خود پرهیز می کنند.
آنها از بسیاری مکانها، چیزها و کارها دوری می کنند فقط برای اینکه به یاد تجربه تلخ خود نیافتند. این البته راهی است برای حفاظت فرد در برابر هجوم خاطرات، اما از طرف دیگر بدین ترتیب فرد در زندگی و رشد شخصیتش محدود می شود و بسیاری کارها را به خاطر ترس نمی تواند انجام دهد." در آلمان کمبودهاي در زمینه کمك به پناهجویانی که بر اثر تجربه های تلخ خود دچار آسیب دیدگی روانی شده اند وجود دارد. از جمله آنکه در همه ایالات آلمان مرکز درمانی برای آوارگان و پناهندگان موجود نیست.
همچنین کارمندان اداره رسیدگی به دوســیه های پناهجویان و دادگاههای آلمان از اهمیت توجه به وضعیت روحی پناهجویان و تجربه فرار و شکنجه آنان بی خبرند. برای همین پیش می آید که درخواست پناهندگی پناهجویی را که به خاطر وضعیت روحی خود قادر به شرح آنچه بر وی رفته نشده است، نپذیرند. و ولفگانگ گرنتس Wolfgang Grenz، کارشناس امور پناهندگان شاخه آلمان سازمان عفو بین الملل در این باره می گوید: "اشکالی که وجود دارد این است که اغلب وقتی پناهجویی می گوید شکنجه شده است، به گفته اش اهمیتی نمی دهند و حرفش را باور نمی کنند. هنوز هم مواردی وجود دارد که در آن مردها از زنها بازجویی می کنند. در بسیاری مواقع زنها خجالت می کشند از آنچه تجربه کرده اند بگویند. بازجوها هم متوجه نمی شوند که آنها احتمالا شکنجه شده اند. مواردی هم پیش آمده که پناهجو گفته که شکنجه شده، اما اصلا به گفته وی توجهی نکرده اند و پرسیده اند دیگر چه داری که بگویی. بعد به این نتیجه رسیده اند که گفته های پناهجو خیلی کلی بوده و این پیامدهای وحشتناکی داشته، مثل اخراج پناهجو از کشور. ما درخواست کرده ایم که کارمندان اداره رسیدگی به امور پناهندگان و دادگاهها آموزش ببینند و حساسیت بیشتری داشته باشند." در سه سال اخیر سازمان عفو بین الملل در آلمان خواستار دگرگونی در این زمینه شده است. به گفته و ولفگانگ گرنتس نتیجه آن بوده است که: "برخی چیزها بهتر شده است.
اداره امور پناهندگان برای کارمندان خود کلاس درس گذاشته تا برای گفتگو با کسانی که می گویند شکنجه شده اند، آمادگی داشته باشند. بهبودهاي دیده می شود، اما هنوز هم مواردی وجود دارد که در آن اصلا به اینکه پناهجو شکنجه شده است توجه نمی کنند." هنوز راه درازی باقیست تا آنچه نویسنده و شاعر فرانسوی ویکتور هوگو با خوش بینی در سال ۱۸۵۱ نوشت، تحقق یابد. هوگو نوشته بود که "شکنجه به زباله دان تاریخ پیوسته، همانجا که انکیزیسیون هم هست و همانجایی که مجازات اعدام هم به زودی به آنها می‌پیوندد." اما یقینا گامهایی که در راه حساس کردن افکار عمومی به سرنوشت آوارگان و پناهندگان برداشته می شود، سرانجام راه به آن هدف خواهد برد.

حقوق پناهندگان دراسناد بین المللی

گزارشی از سوی کوفی عنان، سکرترجترال سازمان ملل نشان میدهد در سال ۲۰۰۵ حدود ۱۹۱ میلیون نفر از سرزمین مادری خود به کشورهای دیگر مهاجرت کردند. عنان در گزارش سالانه خود به مجمع عمومی سازمان ملل اعلام کرد در سال ۱۹۹۰ آمار مهاجران ۱۵۵ میلیون نفر بود. طبق این گزارش اکثر مهاجران به کشورهای ثروتمند رفته اند که یك پنجم آنها به آمریکا مهاجرت کرده اند. همچنین ۷۵ میلیون نفر نیز از یك کشور در حال توسعه به کشور درحال توسعه دیگری مهاجرت کرده اند. بر اساس گزارش کوفی عنان در برخی کشورها از جمله فیلیپین، صربستان و مونته نگرو مبالغ نقدی که مهاجران آن از خارج ارسال می کنند، بخش قابل ملاحظه ای از درآمد ملی مردم را تشکیل می دهد. عنان در گزارش خود افزود : مهاجرت بین المللی چنانچه با سیاست های صحیح همراه شود، می تواند برای توسعه هر دو کشور مهاجر فرست و مهاجر پذیر مفید باشد. وی در عین حال هشدار داد این مزایا مشروط به رعایت حقوق خود مهاجران است. علاوه بر این در گزارش عنان، خطر فرار مغزها مورد توجه قرار گرفته است. حدود ٦٠ درصد از افراد تحصیل کرده کشورهای گویان، هائیتی و جامائیکا هم اکنون در خارج از این کشورها زندگی می کنند. عنان در این گزارش پیشنهاد داده که مجمعی دائمی درباره مهاجرت تشکیل شود تا دولت ها بتوانند به مقایسه سیاست های مختلف خود بپردازند. در این گزارش آمده در سال ۲۰۰۵ به ترتیب اروپا با ٣٤ درصد، آمریکای شمالی با ۲۳، آسیا با ۲۸، آفریقا با ۹ و آمریکای لاتین و اقیانوسیه هرکدام با ۳ درصد میزبان مهاجران جهان بوده اند.

یکی از موضوعات مهم و جدید در حقوق بین الملل، حقوق پناهندگان است که در عصر کنونی، علی الرغم پیشرفت های صنعتی، رعایت اخلاق و حقوق انسانی نسبت به یکدیگر ضعیف، و ستم و تجاوز به حقوق انسان ها، به ویژه نسبت به زیردستان و ضعیفان، بیش تر شده است، به طوری که گاهی موجب فرار و کوچ دسته جمعی عده ای از افراد یك کشور به کشور دیگر می شود. از این رو، حقوق پناهندگان در کنار سایر بحث های حقوقی، در حقوق بین الملل مطرح شده و در گردهمایی های جهانی، عهدنامه هایی نیز در این خصوص به تصویب رسیده است. این نگارش با عنایت به اسناد بین المللی راجع به حقوق پناهندگان، حقوق و وظایف پناه جویان را مورد بحث و بررسی قرار می دهد. از آن جا که مسأله پناهندگی روز به روز ابعاد گسترده تری پیدا می کند، آشنایی پناهندگان با حقوق و وظایف خود، امری ضروری به نظر می رسد.

آگاهی نسبی از حقوق پناهندگی، هم موجب دفاع آگاهانه پناهندگان از حقوقشان می شود و هم آن ها را با وظیفه قانونی خود آشنا می سازد تا مبادا با انجام برخی کارها، موجبات نارضایتی کشور میزبان را فراهم آورند. مشکل پناهندگی از گذشته های دور در میان جوامع انسانی وجود داشته و در هر دوره، هر جامعه طبق باورها و فرهنگ خود، راه حلّی برای آن اندیشیده شده است.

تعریف پناهنده در منابع بین المللي

کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو تعریف فراگیری از پناهنده ارائه داده و می گوید: «پناهنده کسی است که به علّت ترس موجّه از این که به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیّت یا عضویت در بعضی گروه های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد، در خارج از کشور محل سکونت عادی (کشور اصلی خود) به سر می برد و نمی تواند، و یا به علّت ترس مذکور نمی خواهد، خود را تحت تابعیت آن کشور قرار دهد، یا در صورتی که فاقد تابعیت است، و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محلّ سکونت دایمی خود به سر می برد، نمی تواند یا به علت ترس مذکور نمی خواهد به آن کشور بازگردد.»

طبق تعریف مزبور :

الف) پناهنده از نظر منابع بین المللی، بیگانه ای است در کشور پذیرنده که به دلیل ترس از تعقیب و نیز نجات جان، مال و آزادی خود، به کشور دیگری پناهنده می شود.

ب) عنصر اساسی در علّت پناهندگی «ترس موجّه از تعقیب و آزار» است که تشخیص و احراز آن، با کشور پذیرنده است و آن کشور با بررسی همه جانبه در مورد دلایل درخواست پناهندگی، یا این دلایل را می پذیرد و یا رد می کند.

ماهیت حقوق پناهندگی در اسناد بین المللي

در خصوص مسأله پناهندگی و پناهنده پذیری، این سؤال مطرح می شود که آیا پناهندگی برای افراد، یك حق است که در شرایط خاص باید از آن استفاده کنند و نسبت به دولت مورد درخواست پناهندگی یك تکلیف به شمار می آید؟ از بررسی مجموع منابع معتبر بین المللی می توان گفت که افراد در شرایط خاص که در معرض خطر و ترس قرار می گیرند، حق دارند به کشورهای دیگری پناهنده شوند و کشورهای مورد تقاضای فرد، که عضو سازمان ملل باشند، مکلف به پذیرش آن ها هستند.

ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در خصوص پناهندگانی که به صورت غیرقانونی در کشور پناهنده به سر می برند، مقرر می دارد :

۱. دولت های متعاهد۲، پناهندگانی را که مستقیماً از سرزمینی که در آن جا زندگی(می کرده)و آزادی شان در معرض تهدید بوده و بدون اجازه به سرزمین آن ها وارد شده اند یا در آن جا به سر می برند، به خاطر این که بر خلاف قانون وارد سرزمین آن ها شده اند یا در آن به سر می برند، مجازات نخواهند کرد،مشروط به این که]آن ها [فوراً به مراجع مربوط معرفی کرده، دلایل قانع کننده ای برای ورود یا حضور غیرقانونی ارائه دهند.
۲. دول متعاهد نسبت به رفتوآمد این قبیل پناهندگان محدودیت هایی غیر از آنچه لازم باشد، قایل نخواهند شد... و محدودیت مزبور فقط تا موقعی خواهد بود که وضع این قبیل پناهندگان در کشور پناه پذیر تعیین نشده است یا اجازه ورود به کشور دیگری را تحصیل نکرده اند.

در ماده ۳۳ نیز در خصوص منع اخراج یا اعاده پناهندگان آمده است :
هیچ یك از دول متعاهد به هیچ وجه پناهنده ای را به سرزمین هایی که امکان دارد به علل مربوط به نژاد، مذهب، ملیّت، عضویت در دسته اجتماعی به خصوص، یا دارا بودن عقاید سیاسی، زندگی و یا آزادی او در معرض تهدید واقع شود تبعید نخواهند کرد یا باز نخواهند گردانید.
با تأمّل در مجموع این مواد و همچنین مقدمه این کنوانسیون که به آزادی های فردی و حقوق اولیه انسان، از جمله حق حیات، تصریح دارد پاسخ سؤال مزبور به خوبی روشن می شود و آن این که روح حاکم بر این کنوانسیون قایل شدن حق پناهندگی برای افرادی است که در معرض خطر و ترس هستند و از سوی دیگر، تکلیفی است که بر عهده دولت های متعاهد نسبت به پذیرش این افراد گذاشته شده است.
اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ١٤ بیان می دارد :
هرکس حق دارد دربرابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهگاهی جستوجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند.
در این اعلامیه به حق پناهندگی تصریح شده است. لازمه حق پناه خواهی، تکلیف کشور مورد درخواست قبول پناهندگی است; زیرا در غیر این صورت، اعتبار حق برای پناهنده بی فایده و لغو خواهد بود.
ماده ۱۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی (مصر) نیز تصریح دارد که: «هر انسانی بر طبق شریعت حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشور را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن می تواند به کشور دیگری پناهنده شود. و بر آن کشور پناه دهنده واجب است که با او مدارا کند، تا این که پناهگاهی برایش فراهم شود. با این شرط که علت پناهندگی به خاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد.
علاوه بر مفاد مواد اعلامیه ها، هدف حمایت از پناهندگان در حقوق بین الملل و حقوق اسلامی، استقرار عدالت و مبارزه با ستمگری است که خداوند آن را در فطرت هر انسانی نهاده است. از این رو، تمام دولت ها و جوامع انسانی، به ویژه کشورها و ملّت های اسلامی، باید به این اصل ارزشمند که ندای فطرت انسان هاست، پاسخ مثبت داده و با همکاری مطلوب خود در جهت تحقق عدالت و نابودی ظلم در همه ابعاد آن و از جمله در مورد پناهندگان و آوارگان بکوشند . از این رو، همیشه در جامعه بشری ظلم وجود داشته و دارد، هرچند وضعیت ملّت ها و جوامع از این حیث، با یکدیگر یکسان نبوده و بعضی در تلاش برای تحقق عدالت و دفاع از ستمدیدگان و آوارگان تلاش بیش تری از دیگران داشته اند.
حداقل حقوق پناهندگان در اسناد بین المللی
الف) اعلامیه جهانی حقوق بشر
اگرچه این اعلامیه، به انگیزه حمایت از پناهندگان تدوین نگردیده، لکن در بردارنده حقوقی است برای همه انسان ها، صرف نظر از تعلق آن ها به کشور یا مذهبی خاص. در مقدمه آن، آمده است: «... مجمع عمومی، این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می کند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دایماً مدنظر داشته باشند و مجاهدت کنند که به وسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادی ها توسعه یابد و با تدابیری تدریجی، ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آن ها، چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایی که در قلمرو آن ها می باشند، تأمین گردد.
اساسی ترین حقوق پیش بینی شده در این اعلامیه که شامل پناهندگان نیز می شود عبارتند از :

۱. برخورداری از تمام حقوق و آزادی ها (ماده ۲)
۲. حق زندگی و امنیت شخصی (ماده ۳)
۳. منع هرگونه شکنجه ورفتار خلافت شؤون بشری(ماده ٥)
۴. برابری همه افراد بشر در برابر قانون (ماده ۷)
۵. حق عبور و مرور و انتخاب آزادانه محل اقامت (ماده ۱۳)
۶. داشتن حق کار و حرفه (ماده ۲۳)
۷. حق بهره مندی از آموزش و پرورش تا مرتبه عالی آن (ماده ٢٦)

ب - کنوانسیون ۱۹۵۱ م. ژنو و پروتوکل ۱۹۷٦ م. کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو را می توان اصلی ترین منبع حقوق

پناهندگان در مقررات بین المللی دانست که در ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ در ژنو به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده است. اهمّ تعهدات این کنوانسیون عبارت است از :

۱. عدم تبعیض: « دول متعاهد مقررات این کنوانسیون را بدون تبعیض از لحاظ نژاد یا مذهب یا سرزمین اصلی، درباره پناهندگان اجرا خواهند نمود.» (ماده ۳)

۲ . دین: دول متعاهد در سرزمین خود نسبت به آزادی پناهنده در اجرای امور دینی و دادن تعلیمات دینی، مذهبی به کودکان خود رفتاری حداقل در حد رفتاری که نسبت به اتباع خود دارند، اتخاذ خواهند نمود. (ماده ٤)

۳. اشتغال با دستمزد: «در مورد حق اشتغال به کار با دستمزد، هر دولت متعاهد نسبت به پناهندگانی که به طور منظم در سرزمین او سکونت کرده اند مطلوب ترین رفتاری را که در چنین موارد نسبت به اتباع دول بیگانه معمول می دارد به عمل خواهد آورد.» (ماده ۷) ماده ۱۸ و ۱۹ نیز در مورد فراهم آوردن زمینه اشتغال به کارهای صنعتی، تجاری، کشاورزی و هر نوع فعالیّت آزاد علمی توصیه می کند.

۴. جیره بندی: «در صورتی که نظام جیره بندی وجود داشته باشد و توزیع محصولات کمیاب در میان عموم مردم طبق سهمیه صورت گیرد، نسبت به پناهندگان نیز مانند اتباع کشور رفتار خواهد شد.» (ماده ۲۰)

۵. آزادی رفت و آمد: «هر یك از دول متعاهد به پناهندگانی که طبق قانون در سرزمین آن ها به سر می برند، حق خواهند داد که محل سکونت خود را انتخاب نمایند و آزادانه در داخل سرزمین آن دولت رفت و آمد کنند. مشروط به رعایت مقرراتی که معمولاًدراین گونه مواردرباره خارجیان اجرامی شود.»(ماده۲٦)

۶. تعلیمات دینی: «. در مورد تحصیلات ابتدایی دول متعاهد نسبت به پناهندگان مانند اتباع خود رفتار خواهند کرد.

در مورد تحصیلات غیرابتدایی و مخصوصاً در مورد حق اشتغال به تحصیل و تعیین ارزش مدارك تحصیلی دیپلم ها و دانشنامه های صادره از ممالك خارجی و تخفیف حقوق و عوارض مربوط به اعطای کمك هزینه به پناهندگان، رفتاری معمول خواهند داشت که تا سر حد امکان مساعد بوده و در هر حال از رفتاری که نسبت به بیگانگان به طور کلی به عمل می آید، نامساعدتر نباشد.» ماده (22) همچنین پروتکل مربوط به وضع پناهندگان، مصوّبه ۳۱ ژانویه ۱۹٦۷ م مکمّل و توسعه دهنده مواد کنوانسیون است.

ج. میثاق های بین المللی

از آنجا که اعلامیه جهانی حقوق بشر فاقد تدابیر اجرایی و ضمانت اجرا بود، کمیسیون حقوق بشر بلافاصله پس از تنظیم و انتشار آن مصمّم شد در این زمینه، میثاق هایی که برای دولت های امضاکننده از جهت حقوق ملّی و بین المللی الزام آور باشد به تصویب رساند. از این رو، در ۱٦ دسامبر ۱۹٦٦ دو میثاق با عناوین «میثاق حقوق مدنی» و «میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» به تصویب مجمع عمومی رسید. علاوه بر مفاد دو میثاق مزبور، تمام اصول و ضوابطی که در اعلامیه جهانی آمده است، لازم الاجرا دانسته شد.

این دو میثاق، مفاد اعلامیه حقوق بشر را با دقت و وضوح بیش تری مورد تحلیل قرار داده و در برخی موارد نیز تغییرات کلی در آن به عمل آورده اند. رعایت حقوق مندرج در میثاق ها برای دولت ها یك تکلیف وقاعده حقوقی است، درصورتی که اعلامیه جهانی آن رایك تکلیف اخلاقیومعنوی تلقی می کند.

حقوق آوارگان جنگی

موادّ کنوانسیون و سایر اسناد بین المللی شامل افراد بسیاری که به دلیل اغتشاشات داخلی یا تجاوز کشور خارجی و نیز به دلیل عدم تأمین جانی، مالی و حیثیتی به کشورهای همسایه خود پناهنده می شوند نمی گردد. سؤالی که ممکن است مطرح شود این است که پس چه کسانی یا نهادهایی مسؤولیت کمك رسانی به این پناهندگان و ستمدیدگان را دارند؟ در این مورد باید گفت: اولاً نهادهای سازمان ملل و خیریه جهانی احساس مسؤولیت بیش تری نسبت به کمك رساندن به پناهندگان دارند و نیز جهت گیری افکار جهانی، کمك رسانی به تمام کسانی است که به هر دلیلی از سرزمین اصلی خودشان رانده یا فراری شده باشند. ثانیاً، بررسی اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصر و همچنین باورها و ارزش های اسلامی دینی، این نکته را روشن می سازد که هر مظلومی که خواهان همکاری و پناه جویی باشد، هر فرد مسلمانی، به ویژه دولت اسلامی، موظف به پناه دهی و همکاری با اوست .همان گونه که پیش تر اشاره شد، در ماده ۱۲ حقوق بشر اسلامی آمده است که: «هر انسانی بر طبق شریعت، حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج از کشور را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن می تواند به کشور دیگری پناهنده شود و بر آن کشور پناه دهنده واجب است که با او مدارا کند تا این که پناهگاهی برایش فراهم شود...»

مفاد این مادّه هم نسبت به دین و مذهب پناهندگان و هم نسبت به علت پناهندگی عام و فراگیر است; چرا که واژه «هر انسانی» هم مسلمان و هم غیر مسلمان را در برمی گیرد و نیز عبارت «تحت ظلم قرار گرفتن» اشاره به این مطلب دارد که ظلم می تواند از ناحیه هر کس یا هر گروه و به هر شکلی باشد . در اسلام نیز، از همان آغاز، پناه دادن به مظلومان به عنوان یك وظیفه الهی و دینی و بالطبع به صورت یك قاعده حقوقی مطرح بوده تاآنجا که بی توجهی به مظلومان و پناهندگان نشانه ضعف ایمان افراد مسلمان تلقی شده است. پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) می فرمایند:

«مَن سَمِعَ رَجُلاً یُنادی یا للمسلمین فَلَم یجبهُ فلیسَ بمُسلم.» در این روایت، پناهندگان و آوارگان از بارزترین مصادیق مظلومان هستند و بالطبع بر مسلمانان و به ویژه بر دولت اسلامی است که به آن ها پناه داده و همه امکانات خویش را برای رفع ظلم از آنان، به کار بندند. بر کشورهای اسلامی است که برای جهانی کردن مفاد اعلامیه اسلامی، آن هم در قالب قاعده حقوقی، پای بندی عملی خود را نسبت به آن، نشان دهند تا به تدریج جایگاه حقوقی خود را در نظام بین المللی باز کند . در اسلام، مسؤولیت پناه دادن به مظلومان تنها یك وظیفه اخلاقی برای دولت اسلامی به شمار نیامده، بلکه از حقوق عمومی مسلمانان و از این فراتر، از تکالیف آنان به شمار می آید . هرچند به حقوق پناهندگان در اسناد بین المللی و منابع اسلامی از منظر حقوقی و نظری پرداخته شده است، اما متأسفانه از جهت عملی تاکنون پذیرش پناهنده، به صورت یك عرف بین المللی جا نیافتاده است. بیش تر کشورها براساس منافع ملی و قانون داخلی خود با پناهندگان برخورد می کنند; برای مثال، کشورهای اروپایی مقررات سختی برای پذیرش پناهنده دارند که برخورداری ازآن شرایط برای هرکس میسّرنیست.

اصل بازنگرداندن پناهندگان

یکی از مهم ترین حقوق پناهندگان که مورد تأکید فراوان قرار گرفته، اصل بازنگرداندن پناهندگان به کشوری است که به دلایل گوناگون از آن کشور رانده و یا ناگزیر به ترك آن شده اند. این اصل همواره مورد حمایت جدّی سازمان ملل و سایر نهادهای مربوط قرار گرفته است. بند اول ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو می گوید: «هیچ یك از دول متعاهد به هیچ نحو پناهنده ای را به سرزمین هایی که امکان دارد به علل مربوط به نژاد و... زندگی یا آزادی او در معرض تهدید واقع شود تبعید نخواهد کرد یا باز نخواهد گردانید.»

کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه و رفتارهای موهن و غیرانسانی، چنین دستور می دهد که: «هیچ دولت عضو کنوانسیون، شخص را به کشور دیگری که شواهد جدّی مبنی بر وجود شکنجه و خطر نسبت به جان افراد در آن وجود دارد، بازگشت نخواهد داد.» در قطعنامه ها و اعلامیه های مختلف بین المللی، منطقه ای و کشوری نیز این اصل مورد تأکید قرارگرفته است.

این اصل بین المللی مورد تأکید، استثنایی هم دارد که در بند دوم ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ آمده است: اما پناهنده ای که طبق دلایل کافی و موجّه، وجودش برای امنیت کشور پذیرنده خطرناك بوده و یا مرتکب جرم مهمی شده باشد، از امتیاز این مادّه برخوردار نخواهد بود. بنابراین، تا زمانی که شرایط مساعد برای بازگشت پناهندگان به کشورشان فراهم نشده باشد، بازگرداندن آنان، بر خلاف اعلامیه وقطعنامه های مختلف راجع به پناهندگان خواهدبود.

ادامه دارد